



The Role of the Comparative Method in Producing Quran-Based Human Sciences from the Perspective of Imam Khomeini and Ayatollah Khamenei

Reza Lakzaei¹

Received: 2024/11/13 . Revised: 2024/11/22 . Accepted: 2024/11/25 . Published online: 2025/02/02

Abstract

One of the proposed approaches for developing Islamic and indigenous humanities (human sciences) is by referring to the Holy Quran. This article explores the methodology of producing Quran-based humanities from the perspectives of Imam Khomeini and Ayatollah Khamenei. According to their views, at least three approaches can be inferred for the production of Quran-based humanities: the conventional basis, the comparative basis, and the transcendental basis. These approaches result in the creation of three corresponding models of humanities, which can be categorized as conventional humanities, comparative humanities, and transcendental Quran-based humanities. The starting point of transcendental Quran-based humanities is the acknowledgment of the Quran's scientific authority and the pursuit of knowledge for the sake of God. This process is followed by applying the *method of comparison*, which involves assessing the current state of human beings and society through the lens of the Quran. By identifying strengths, weaknesses, and solutions according to the Quranic perspective, this method shows the path to achieving the desired state. It is through this process that the

1. Assistant Professor, Imam Sadiq Research Institute, Qom, Iran. rlakzaee@gmail.com.

* Lakzaei, R. (2024). The Role of the Comparative Method in Producing Quran-Based Human Sciences from the Perspective of Imam Khomeini and Ayatollah Khamenei. *Journal of Studies of Quranic Sciences*, 6(19), pp. 100-131. <https://doi.org/10.22081/jqss.2025.70281.1342>

Quran integrates into the humanities. Both Imam Khomeini and Ayatollah Khamenei have introduced and applied this method in their works and speeches. This article uses the method of implication, as outlined in the science of logic, to present the views of the two imams (the two leaders of Islamic Revolution of Iran) on the development of Quran-based humanities.

Keywords

The Holy Quran, transcendental humanities, Imam Khomeini, Ayatollah Khamenei, method of comparison.



دور منهج "التطبيق" في إنتاج العلوم الإنسانية المبنية على القرآن الكريم من وجهة نظر الإمام الخميني وآية الله الخامنئي

رضا لكزائي^١

تاريخ الإستلام: ٢٠٢٤/١١/١٣ * تاريخ التعديل: ٢٠٢٤/١١/٢٢ * تاريخ القبول: ٢٠٢٤/١١/٢٥ * تاريخ الإصدار: ٢٠٢٥/٠٢/٢

الملخص

ومن الأساليب المقترحة لإنتاج العلوم الإنسانية الإسلامية والأهلية هو الرجوع إلى القرآن الكريم؛ وبناء على ذلك، يتناول هذا المقال منهجية إنتاج العلوم الإنسانية المبنية على القرآن الكريم من وجهة نظر الإمام الخميني وآية الله الخامنئي. ومن وجهة نظر الإمام الخميني وآية الله الخامنئي، يمكن استخلاص ثلاثة مناهج على الأقل لإنتاج العلوم الإنسانية المبنية على القرآن الكريم: الأساس المتداني، والأساس المتعارف، والأساس المتعالي. إن هذه الأسس الثلاثة تؤدي إلى إنتاج ثلاثة نماذج من العلوم الإنسانية، والتي يمكن أن نطلق عليها العلوم الإنسانية المتدانية، والعلوم الإنسانية المتعارفة أو التقليدية، والعلوم الإنسانية المتعالية المبنية على القرآن. ونقطة البداية للعلوم الإنسانية المتعالية المبنية على القرآن هي قبول المرجعية العلمية للقرآن والجهاد العلمي، ثم استخدام منهج "التطبيق". أما طريقة التطبيق فهي أننا نعرض على القرآن، بناء على مقاصد القرآن، الوضع الراهن للإنسان والمجتمع، ونفهم نقاط القوة والضعف فيهما، وطريق الخروج من نقاط الضعف والوصول إلى الوضع المطلوب. وبهذه الطريقة يجد القرآن طريقه إلى العلوم الإنسانية. وقد تم تقديم هذه الطريقة وشرحها واستخدامها تحت نفس الاسم

١٠٢
مِظَالُ الْعِلْمِ

سال ششم، شماره اول، بهار ١٤٠٢ (ربيعي ١٩)

١. أستاذ مساعد في مؤسسة الإمام الصادق عليه السلام للبحوث في قم، إيران. rlaakzaee@gmail.com

* لكزائي، رضا. (٢٠٢٤م). دور منهج "التطبيق" في إنتاج العلوم الإنسانية المبنية على القرآن الكريم من وجهة نظر الإمام الخميني وآية الله الخامنئي، الفصلية العلمية - الترويجية لدراسات علوم القرآن، ٦ (١٩)، صص ١٠٠-١٣١.

<https://Doi.org/10.22081/jqss.2025.70281.1342>

من قبل الإمام الخميني وآية الله الخامنئي. وباستخدام أسلوب الدلالي الموضح في علم المنطق، يقدم هذا المقال وجهة نظر إمامي الثورة في إنتاج العلوم الإنسانية المبنية على القرآن الكريم.

الكلمات الرئيسية

القرآن الكريم، العلوم الإنسانية المتعالية، الإمام الخميني، آية الله الخامنئي، منهج التطبيق.



نقش روش تطبیق تولید علوم انسانی قرآن بنیان از منظر امام خمینی رحمته الله علیه و آیت الله خامنه‌ای مدظله العالی

رضا لک‌زایی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۲۳ * تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۹/۰۲ * تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۰۵ * تاریخ آنلاین: ۱۴۰۳/۱۱/۱۴

چکیده

یکی از راه‌های پیشنهاد شده برای تولید علوم انسانی - اسلامی و بومی، مراجعه به قرآن کریم است؛ براین اساس مسئله مقاله حاضر، روش‌شناسی تولید علوم انسانی قرآن بنیان از منظر امام خمینی رحمته الله علیه و آیت الله خامنه‌ای مدظله العالی است. براساس دیدگاه امام خمینی رحمته الله علیه و آیت الله خامنه‌ای، دست کم سه روش برای تولید علوم انسانی قرآن بنیان قابل استنباط است؛ مبنای متدانی، مبنای متعارف و مبنای متعالی. این سه مبنای تولید سه مدل علوم انسانی را در پی دارد که می‌توان آنها را علوم انسانی متدانی، علوم انسانی متعارف و علوم انسانی قرآن بنیان متعالی نامید. نقطه شروع علوم انسانی قرآن بنیان متعالی، پذیرش مرجعیت علمی قرآن و قیام علمی لله و در ادامه به کاربرتن «روش تطبیق» است. تطبیق به این معناست که براساس مقصد قرآن، وضعیت موجود انسان و جامعه را به قرآن عرضه کنیم و قوت‌ها و ضعف‌هایش را دریابیم و راه برون‌رفت و وضعیت مطلوب را نشان دهیم؛ از این راه است که قرآن به علوم انسانی راه می‌یابد. این روش، با همین نام توسط امام خمینی رحمته الله علیه و آیت الله خامنه‌ای، عرضه تبیین و به کار گرفته شده است. این مقاله با استفاده از روش دلالت، که در دانش منطق تبیین شده است، دیدگاه امامین انقلاب را در تولید علوم انسانی قرآن بنیان عرضه می‌نماید.

کلیدواژه‌ها

قرآن کریم، علوم انسانی متعالی، امام خمینی رحمته الله علیه، آیت الله خامنه‌ای، روش تطبیق.

rlakzaee@gmail.com

۱. استادیار، پژوهشگاه امام صادق علیه السلام، قم، ایران.

* لک‌زایی، رضا. (۱۴۰۳). نقش روش تطبیق تولید علوم انسانی قرآن بنیان از منظر امام خمینی رحمته الله علیه و آیت الله خامنه‌ای مدظله العالی. فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات علوم قرآن، ۶(۱۹)، صص ۱۰۰-۱۳۱.

<https://Doi.org/10.22081/jqss.2025.70281.1342>

مقدمه

نگاهی اجمالی به آثار و مباحثی که درباره تحول علوم انسانی در کشور منتشر شده - با تمام اختلافاتی که با یکدیگر دارند - از یک حقیقت واحد خبر می‌دهند و آن حقیقت این است که علوم انسانی رایج، نیازمند بازنگری است. وانگهی علوم انسانی فعلی ما که از آن به علوم انسانی متدانی و یا با تسامح به عنوان علوم انسانی متعارف یاد می‌کنیم، بر مبادی و مبانی متعارض با مبانی قرآنی و اسلامی بنا شده و غالباً مبتنی بر نگاه مادی (بیانات امام خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۷/۲۸) و فلسفه‌هایی است که مبنایش مادی‌گری، نداشتن نگاه معنوی به انسان و جهان، حیوان انگاشتن انسان و عدم مسئولیت انسان در قبال خداوند متعال است (بیانات امام خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۶/۸).

رهبر معظم انقلاب از دو مدل علوم انسانی نام می‌برند و علوم انسانی متعارف را - البته نه با این اصطلاح - «دانش ذاتاً مسموم» (بیانات امام خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۷/۲۹) می‌نامند؛ زیرا متکی بر جهان‌بینی مادی است و محتوا و هدفی متفاوت، بلکه متضاد با جهان‌بینی قرآنی دارد. به‌خوبی نمایان است که ایشان به عنوان رهبر نظام و یک فقیه و قرآن‌شناس معتقدند که برخی دانش‌ها که مبتنی بر مبانی و منابع دیگری است، «دانش‌های ذاتاً مسموم» هستند که به‌طور ضرورت فراگیرندگان آن علوم را هم مسموم می‌کند و در نتیجه انسان به غایتی که برای رسیدن به آن نهایت خلق شده و باید به آن برسد نمی‌رسد، مانند آبی که از سرچشمه آلوده و مسموم است، شاخه‌های منشعب از آن هم مسموم و آلوده می‌شود.

اکنون باید ایشان راه‌حلی بیان کنند که این ایرادها را نداشته باشد. رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: ریشه و پایه و اساس علوم انسانی را در قرآن باید پیدا کرد. یکی از بخش‌های مهم پژوهش قرآنی این است. باید در زمینه‌های گوناگون به نکات و دقائق قرآن توجه کرد و مبانی علوم انسانی را در قرآن کریم جستجو کرد و پیدا کرد. این یک کار بسیار اساسی و مهمی است. اگر این شد، آن وقت متفکرین و پژوهندگان و صاحب‌نظران در علوم مختلف انسانی می‌توانند بر این پایه و بر این اساس بناهای رفیعی را بنا کنند. البته

آن وقت می‌توانند از پیشرفت‌های دیگران، غربی‌ها و کسانی که در علوم انسانی پیشرفت داشتند، استفاده هم بکنند، لکن مبنا باید مبنای قرآنی باشد (بیانات امام خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۷/۲۸).

بنابراین تبیین مبانی قرآنی علوم انسانی متعالی و پرهیز از ویژگی‌های علوم متدانی برای جهان اسلام، مهم و ضروری است. از سوی دیگر معارف قرآنی بن‌مایه اصلی تمدن اسلامی و گامی در رفع مهجوریت قرآن کریم به‌شمار می‌رود. با این حال، جایگاه قرآن در علوم انسانی، مغفول مانده است؛ این آسیب‌شناسی مهم علوم انسانی جامعه علمی ماست، غفلت از قرآن در نقد دیدگاه‌ها و باورداشتن اینکه قرآن می‌تواند پایه و مبنای علوم انسانی اسلام ناب محمدی باشد، درحالی که قرآن نظم نوین سیاست و اقتصاد و فرهنگ را بر پایه علم ربانی تأسیس کرده است. اینجاست که روش مواجهه با قرآن برای تولید علوم انسانی متعالی اهمیت می‌یابد. طبقه‌بندی علوم انسانی به متعالی و متدانی از متمایزات این مقاله است و نامیدن دیدگاه دیگران به این نام به این معنا نیست که آن متفکران از این اصطلاح استفاده کرده باشند؛ همچنین اصطیاد و بیان دیدگاه قرآنی امام خمینی علیه السلام و رهبر معظم انقلاب امام خامنه‌ای مدظله‌العالی در این باب، از نوآوری‌های این مقاله به‌شمار می‌رود.

پیشینه

در رابطه با علوم و انسانی و اندیشه‌های امامین انقلاب، مقالات متعددی نوشته شده است از قبیل: «جایگاه قرآن در روش‌شناسی تولید علوم انسانی متعالی با تأکید بر اندیشه امام خمینی» نوشته رضا لک‌زایی (لک‌زایی، ۱۳۹۷)؛ «چرایی، چیستی و چگونگی علوم انسانی قرآن بنیان از منظر رهبر معظم انقلاب» نوشته مجتبی غفاری (غفاری، ۱۳۹۵)؛ «سنجش تحلیلی انتظارات مقام معظم رهبری ناظر به تحول علوم انسانی قرآن بنیان با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب»، نوشته ابودر رجبی (رجبی، ۱۴۰۰)؛ «راهکارهای تحول و اسلامی‌سازی علوم انسانی در اندیشه رهبر معظم انقلاب و آیت الله مصباح یزدی»، نوشته جواد محقق (محقق، ۱۴۰۱)؛ «چیستی و چگونگی تحول علوم انسانی از دیدگاه

آیت الله خامنه‌ای با استفاده از روش تحلیل مضمون^۱، نوشته روح اله تولایی و مهسا زمردی انباج (تولایی، زمردی انباج، ۱۴۰۲).

در این مقالات درباره نقش روش تطبیق در تولید علوم انسانی قرآن‌بنیان از دیدگاه امام خمینی رحمه الله و آیت الله خامنه‌ای مدظله‌العالی، پژوهش نشده است.

۱. مفاهیم

۱-۱. روش‌شناسی

به نظر می‌رسد دست کم دو مفهوم از روش‌شناسی قابل بیان است: اول، روش‌شناسی به معنای شناخت روش تولید علم، به این معنی که با چه روشی می‌توان دانش را تولید کرد. دوم، روش‌شناسی به معنای شناخت روش فهم یک متفکر در تولید علم. در اینجا منظور ما از روش‌شناسی معنای اول است، به تعبیر دیگر در اینجا به این پرسش پاسخ می‌دهیم که برای تولید علوم انسانی متعالی قرآن‌بنیان، از چه روشی باید بهره برد؟ پاسخ با استناد به آثار مکتوب و شفاهی امام خمینی رحمه الله و رهبر معظم انقلاب امام خامنه‌ای عرضه می‌شود.

۲-۱. علوم انسانی

موضوع علوم انسانی فعل انسان و موضوع علوم تجربی فعل خداست. فعل انسان، امری ارادی است و در نتیجه می‌تواند الهی یا غیر الهی باشد. اما علم تجربی اگر معتبر باشد، شناخت فعل خدا و الهی و دینی است.

جدول تمایزات علوم تجربی و علوم انسانی^۱

ردیف	علوم تجربی	علوم انسانی
۱	دارای قابلیت بی‌طرفی در بیان نظریه	از ابتدا دارای جهت‌گیری

۱. این جدول با تأثیر از نظریات آیت الله جوادی آملی ترسیم شده است.

ردیف	علوم تجربی	علوم انسانی
۲	ناظر به عالم تکوین	ناظر به عالم اعتبار
۳	می تواند فاقد ارزش در نظر گرفته شود	واجد ارزش است
۴	به کارگیری در راه هدف	طراح هدف
۵	دارای قابلیت تفکیک از جهان بینی	فاقد قابلیت تفکیک از جهان بینی
۶	حضور اراده در به کار بستن	حضور اراده در پذیرفتن یا نپذیرفتن
۷	امکان دارد فعل دینی باشد	امکان دارد فعل دینی باشد

همان طور که گفته شد، علوم انسانی به متدانی، متعارف و متعالی قرآن بنیان تقسیم پذیر است. علوم انسانی متدانی به مطالعه رفتارها و تعاملات انسانی با استفاده از روش های علمی و تجربی می پردازد. این نوع از علوم انسانی بر پایه داده ها و شواهد تجربی بنا شده و از روش های کمی و کیفی برای تحلیل پدیده های انسانی استفاده می کند. علوم انسانی متعارف علوم است که بیشتر بر مبنای تفکر انتقادی، فلسفی و ادبی شکل گرفته اند و به بررسی جنبه های فرهنگی، تاریخی و هنری زندگی انسان می پردازند. علوم انسانی متعالی قرآن بنیان بر مبنای آموزه های دینی اسلام شکل گرفته است. این رویکرد تلاش دارد تا با استفاده از اصول اخلاقی، معنوی و اجتماعی موجود در قرآن، رفتارهای انسانی را تبیین کند.

در قرآن کریم، در آیه ای کوتاه مفهوم «رب» را توضیح داده است که از این مدل، می توان در تعاریف و از جمله تعریف علوم انسانی متعالی استفاده کنیم. در این تعریف به سه عنصر فاعل، محتوا و غایت اشاره شده است، «قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى؛ گفت پروردگار ما کسی است که هر چیزی را خلقتی که درخور اوست داده، سپس آن را هدایت فرموده است» (طه، ۵۰).

با الهام از این آیه که در آن نظام فاعلی (رَبُّنَا)، نظام داخلی (أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ) و نظام غایی (هُدَى) مطرح شده است، می توان گفت:

الف) فاعل و سازنده علوم انسانی، به عنوان علت معد، انسان است و علم را خدا به

انسان افاضه می کند «عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» (علق، ۵). انسان سکولار علوم انسانی متدانی را، که در واقع شبه علم است، تولید می کند. در مدل شیعی، آشنایان با اسلام که حوزه های علمیه نماینده بارز آن هستند، بیش از دیگران مسئولیت تولید علوم انسانی متعالی را بر دوش دارند.

ب) شناخت فعل انسان (در طول فاعلیت خدا و به عنوان موضوع علوم انسانی) نظام داخلی علوم انسانی را تشکیل می دهد، که براساس منابع وحیانی، تجربه معتبر، عقل قطعی تولید می شود. یافته های دیگران هم براساس همین مبنا مورد نقادی قرار می گیرد. در نقطه مقابل و در شبه علم سکولار هم از فعل انسان به شکل مستقل و با ابزار معرفت شناختی ناقص می شود. به دیگر سخن در این بخش مباحث معرفت شناختی حرف اول را می زند. البته لازم است که بین علم دینی و فعل دینی، به ویژه در علوم تجربی، تفکیک شود، که در جدول ذیل قابل مشاهده است:

جدول تمایز علم دینی از فعل دینی به ویژه در علوم تجربی^۱

علم دینی	فعل دینی
علم؛ معلوم و عالم، مخلوق خداست و کار عالم در علوم تجربی به طور قطع شناخت فعل خداست. علوم انسانی چون فعل انسان است، به دینی و غیردینی و به تعبیر دیگر به متعالی و متدانی تقسیم می شود.	عالم؛ الله در پی کشف علم است
	معلم؛ الله دانش را آموزش می دهد
	فراگیر علم؛ الله در پی آموختن دانش است
	کاربرد علم؛ الله است

ج) از آنجا که میان فاعل و فعل او - که اینجا تولید علوم انسانی است - غایت فاصله است، غایت تأثیر مهمی در علوم انسانی و جهت گیری آن دارد، به طور خلاصه می توان گفت هدف علوم انسانی متعالی قرب به خدا، هدایت بشر و جهان آرای است و

۱. این جدول با تأثیر از نظرات آیت الله جوادی آملی ترسیم شده است.

نه جهان گیری، جهان خواری، جهان داری و جهان سوزی.

به نظر می رسد این سه بعد، باید با هم موجود باشند تا علوم انسانی متعالی شکل بگیرد، در غیر این صورت از آنجا که نتیجه تابع اخس مقدمات است، در صورتی که در یکی از این ابعاد، نقص وجود داشته باشد، علوم انسانی، متدانی تولید خواهد شد.

جدول چیستی و چندگونگی علوم انسانی

انواع	موضوع	علت فاعلی	علت داخلی	غایت
متعالی	فعل انسان جانشین خدا	اسلام شناسان حوزوی	بهره مند از معارف قرآن و اهل بیت، عقل قطعی، تجربه معتبر	هدایت
متدانی	فعل انسان جانشین خدا	غافل از شناخت اسلام	بی بهره از معارف و حیانی	قدرت

ما برای خودسازی، جامعه پردازی و تمدن سازی به علوم انسانی قرآن بنیان نیاز داریم.

۲. مبانی روش شناسی تولید علوم انسانی قرآن بنیان

مبانی جمع مبنا به معنای بنیان، بنیاد، شالوده، زیربنا، اساس و پایه هر چیزی است (احسانی، ۱۳۹۳، صص ۵۷-۶۰؛ انوری، ۱۳۸۱، ج ۷، ص ۶۶۰۳). مبانی از منابع اخذ می شود. منابع جمع منبع به معنای چشمه، سرچشمه، محل پیدایش چیزی، منشأ، اصل، مأخذ، جای جوشیدن و بیرون آمدن آب از زمین، سبب، علت، مبدأ، مرجع، آبشخور و بن مایه می باشد (حسن انوری، ۱۳۸۱، ج ۷، ص ۷۳۷۹).

محتوایی که ما به عنوان علوم انسانی با آن روبه رو هستیم، از یک مبانی معین گرفته می شود و مبانی از منابع تغذیه می کنند. منابع علوم انسانی متعالی، کتاب، سنت پیامبر و اهل بیت (علیهم السلام)، عقل و تجربه معتبر هستند. علوم انسانی متدانی، فاقد بخشی از این منابع هستند و باید بگویند که ما منابع را به عنوان مثال از عقل یا تجربه یا عرف، عادات،

فرهنگ، آداب و رسوم می‌گیریم. عقلی که ادعای استقلال کند، به اسارت شهوت و غضب و شیطنیت درمی‌آید و در نتیجه انسان را از هر حیوانی خطرناک‌تر می‌کند. تجربه نیز در امور تجربه‌ناپذیر، سخن علمی نمی‌تواند عرضه کند. از سوی دیگر وحی نه تنها حدود و چارچوب‌ها و مقررات را برای انسان تعیین می‌کند، بلکه معارفی را در اختیار انسان قرار می‌دهد که انسان نمی‌تواند آنها را به تنهایی دریابد و بفهمد (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۱۸).

به نظر می‌رسد که برای تولید علوم انسانی قرآن‌بنیان سه مبنای روشی پیش‌روی مؤمنان و دانشمندان رشته‌های مختلف، از جمله علوم انسانی وجود دارد: مبانی روشی متدانی، مبانی روشی متعارف و مبانی روشی متعالی.

منظور از مبنای روشی متدانی در علوم انسانی قرآن‌بنیان، مبنایی است که در آن، روابط منسجم آیات قرآن تقطیع شده، با در نظر نگرفتن برخی آیات، به آیه یا آیاتی دیگر استدلال می‌شود و یا آیات را تک‌بعدی فهم و تبیین می‌کند (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۲۲۰؛ امام خمینی، ۱۳۸۸، ص ۹۳).

براساس مبنای دوم یعنی مبنای روشی متعارف، قرآن متنی فهم‌پذیر در نظر گرفته می‌شود و تقریباً نگاهی هماهنگ و منسجم در این مبنا به همه قرآن کریم وجود دارد؛ اما از مقصد قرآن کمتر سخن به میان می‌آید یا کمتر به عنوان راهبرد به آن اشاره می‌شود. براساس مبنای روشی متعالی، یعنی مبنای سوم، علاوه بر مبنای متعارف، به مقصد نهایی و مقاصد ابتدایی و میانی قرآن به عنوان یک راهبرد اساسی و مهم توجه می‌شود (لک‌زایی، ۱۳۹۷ «الف»، صص ۷-۲۶).

امام خمینی رحمته‌الله براساس همین تفاوت بنیادین و جوهری، ضمن ارج نهادن به زحمات مفسران، با نگاهی اصلاحی به وضعیت تفسیر قرآن در میان مسلمانان جهان، می‌نویسند: تاکنون (سال ۱۳۲۱ ش) تفسیری برای کتاب خدا نوشته نشده است. از نظر ایشان، معنی کلی "تفسیر کتاب" آن است که مفسر، مقاصد آن کتاب را شرح دهد و مقصود صاحب کتاب را بیان کند. ایشان معتقد است مقصد قرآن، به تصریح خداوند متعال، هدایت، تعلیم، نشان دادن راه سلوک انسانیت و روشن‌گری در این مسیر است (امام خمینی، ۱۳۷۰،

ص ۱۹۳). باتوجه به این نکته، مفسر باید در هر قصه از قصه‌های قرآن و بلکه هر آیه از آیه‌های آن، نحوه هدایت انسان از عالم ماده به عالم غیب را برای مخاطب خویش بازگو کند و زمانی مفسر، واقعاً مفسر است که «مقصد» نزول قرآن را به مخاطب ارائه کند، نه «سبب» نزول را (امام خمینی، ۱۳۷۰، صص ۱۹۲-۱۹۳).

پس باید قرآن را «مقصدمحور» مطالعه کرد و فهمید. توجه به «سرانجام قرآن» در راستای تولید علوم انسانی متعالی باعث می‌شود که قرآن از حالت کتاب قصه یا کتاب تاریخ و یا کتاب ادبی خارج شود و حالت فرازمانی و فرامکانی بیابد و محصور و محدود در یک زمان و مکان مشخص نشود؛ چون چنین کتابی، کتاب زندگی و انسان‌سازی است. پس برای بناکردن علوم انسانی متعالی براساس قرآن کریم، به مبانی متعالی نیاز داریم. مبانی متعالی به راهبرد متعالی تکیه دارد و روش متعالی از راهبرد متعالی برمی‌خیزد. می‌توان در چند مرحله، ارکان روش مواجهه با قرآن را به اختصار چنین تصویر کرد:

باورداشتن عظمت قرآن (امام خمینی، ۱۳۷۰، ص ۱۹۵؛ آملی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۴۰۲). در علوم انسانی متعالی، کلام هیچ کس در کنار کلام خدا نمی‌نشیند؛ و آیه کریمه «وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (اعراف، ۲۰۴)، فقط به این معنی نیست که در زمان شنیدن قرآن، سکوت کنید، بلکه بنابر فرمایش آیت الله جوادی این معنی را هم دارد که وقتی راجع به مطلبی، قرآن نظر خویش را فرمود، در برابر نظر قرآن نظر خود و یا دیگران را مطرح نکنید و در فهم قرآن، آورده‌های ذهنی خود را کنار بگذارید و فقط ببینید قرآن چه می‌گوید. از این منظر «علوم انسانی محتاج به انسان‌های متعهد دارد. انسانی که تعهد به قواعد اسلام ندارد و تعهد به آن زیربنایی که توحید است ندارد، در علوم انسانی نمی‌تواند عملی انجام بدهد الا انحراف» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۴، ص ۲۹۲). توجه به مقاصد قرآن و آموختن از قرآن (امام خمینی، ۱۳۷۰، صص ۱۹۲-۱۹۳) از ارکان ایجابی روش‌شناسی تولید علوم انسانی قرآن‌بنیان است. افزون بر نگاه منسجم و هماهنگ به قرآن کریم و در نظر داشتن مقصد آن هنگام مطالعه تک‌تک آیات و سوره‌ها، که راه هدایت است، باید کج‌راهه‌ها و بی‌راهه‌ها را هم شناخت تا به طرف آنها نرفت. کج‌راهه‌ها

و بی‌راهه‌ها از قبیل: پیروی از هوای نفس (جائیه، ۲۳)، خودبستگی علمی (غافر، ۸۳)، پیش فرض‌های نادرست (امام خمینی، ۱۳۷۰، ص ۱۹۷؛ ملکی تبریزی، ۱۳۶۵، ص ۱۳۶۵)، انحصار فهم و گناه (امام خمینی، ۱۳۷۰، صص ۱۹۹-۲۰۲).

۳. کاربری روش تطبیق در تولید علوم انسانی قرآن‌بنیان

تطبیق به این معناست که براساس مقصد قرآن، وضعیت موجود انسان و جامعه را به قرآن عرضه کرد و قوت‌ها و ضعف‌هایش را دریافت. از این راه است که قرآن به عرصه‌های گوناگون زندگی، اعم از علمی و عملی و از جمله علوم انسانی راه می‌یابد. امام خمینی علیه السلام می‌فرماید: «یکی از آداب مهمه قرائت قرآن که انسان را به نتایج بسیار و استفادات بی‌شمار نائل کند، «تطبیق» است و آن چنان است که در هر آیه از آیات شریفه که تفکر می‌کند، مفاد آن را با حال خود منطبق کند، و نقصان خود را به واسطه آن مرتفع کند و امراض خود را بدان شفا دهد» (امام خمینی، ۱۳۷۰، ص ۲۰۶).

امام خمینی علیه السلام، خود، پس از تعریف تطبیق، مثال‌هایی را هم ذکر می‌کنند. ایشان می‌فرماید: مثلاً ببیند که در قصه شریفه حضرت آدم علیه السلام، سبب مطرود شدن شیطان از بارگاه قدس با آن همه عبادت چه بوده تا خود را از آن تطهیر کند. ایشان ادامه می‌دهند: از آیات شریفه استفاده می‌شود که دلیل سجده نکردن ابلیس خودبینی و عجب بوده و همین باعث شد که بگوید: «إِنَّا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ» (اعراف، ۱۲)، حضرت امام در ادامه وارد تطبیق این آیه می‌شوند و می‌فرماید: ما از اول عمر شیطان را ملعون و مطرود خواندیم و خود به اوصاف خبیثه او متصف هستیم. و در فکر آن بر نیامدیم که آنچه سبب مطرودیت او از درگاه قدس است، در هر کسی باشد او هم مطرود است (امام خمینی، ۱۳۷۰، ص ۲۰۶).

دیدگاه رهبر معظم انقلاب هم این است که باید با روش تطبیق به سراغ قرآن رفت. ایشان با نگاه به گذشته می‌فرماید: «ما روی قرآن، از دیدگاه این مسائل، خیلی کم کار کرده‌ایم و اینها را با تاریخ اسلام خیلی کم تطبیق دادیم و چقدر خوب است که افراد علاقه‌مند به قرآن و صاحب تدبیر، در مسائل اجتماعی و مخصوصاً تاریخی قرآن، بیشتر

دقت و تدبر کنند؛ بعد اینها را با واقعیت‌های تاریخی که تطبیق بدهند، معلوم می‌شود که کدام تفسیرها و توجیه‌های تاریخی، مطابق با واقع است» (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۹، جلسه ۲۷، ص ۷۷۲).

این سخن به معنای پذیرش و ترویج مرجعیت علمی قرآن کریم است. براساس این نظرگاه، می‌توان تفاسیر و توجیه‌های تاریخی، نظریات سیاسی و جامعه‌شناختی را بر آموزه‌های قرآن تطبیق داد و صحت و سقم آنها را سنجید. جدایی سره از ناسره وقتی روی می‌دهد که سخن‌ها و تفسیرهای و بلکه دانش‌های گوناگون با قرآن کریم وارد گفتگو شوند و به تعبیر امامین انقلاب بر قرآن «تطبیق» شوند. نباید پنداشت که رهبر معظم انقلاب روش تطبیق را فقط بر گذشته کارآ و کارآمد می‌دانند؛ ایشان کاربست این روش را برای حال و آینده نیز توصیه می‌کنند: «اعتراف می‌کنیم که آنچه ما می‌فهمیم، یک هزارم از معارف عمیق دین نیست، آنی که ما می‌توانیم تطبیق کنیم و توضیح بدهیم، خیلی کمتر است از آنچه که در واقعیت ممکن است انجام بگیرد و وجود داشته باشد، در این تردیدی نیست» (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۹، جلسه ۱۴، ص ۳۹۵).

ازجمله مواردی که این روش با دلالت مطابقی توسط رهبر معظم انقلاب به کار رفته در تبیین آیاتی از ماعون و سوره است. «أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْدِّينِ * فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ * وَلَا يُحِضُّ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ» (ماعون، ۱، ۳). نیز: «قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ * وَلَمْ نَكُ نُطْعِمُ الْمِسْكِينَ» (مدثر، ۴۳، ۴۴). ایشان می‌فرماید: «قرآن مکذبین را آن کسانی می‌داند ازجمله که بر خوراک بینوا، مردم را تحریص نمی‌کند. مردم را برنمی‌شورانند و برنمی‌انگیزند بر سیر کردن بینوایان و با دیدی وسیع‌تر و عمیق‌تر و تعبیری با متن اسلام نزدیک‌تر، در برانداختن ریشه فقر و گرسنگی. آن آدمی که خودش را با این آیه تطبیق نمی‌دهد، یک قدم در راه از بین بردن گرسنگی‌ها برنمی‌دارد، یک گام در راه نابود کردن ریشه فقر جلو نمی‌رود و می‌نشیند تا دستی از غیب برون آید و کاری بکند. اینجور آدم‌ها باید بدانند که اگر دستی از غیب برون آمد، اول توی مغز خود اینها می‌کوبد» (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۹، جلسه ۱۴، ص ۳۹۷). در این تبیین «آن آدمی که خودش را

با این آیه تطبیق نمی‌دهد» مورد نکوهش قرار گرفته است. روشن است که آن دانشمند هم که از تطبیق نظریات خود و رشته علمی خود که در آن تخصص دارد بر قرآن غفلت می‌ورزد، یا فاقد قدرت تطبیق و عرضه آن نظریات بر قرآن است، شایسته نکوهش است.

مصادیق و موارد دیگری هم در آثار امامین انقلاب قابل اصطیاد است که نشان‌دهنده کاربست این نظریه توسط این متفکران است. مصادیقی از روش تطبیق را در دید امام خمینی علیه السلام در ادامه ملاحظه می‌کنید:

۱. در قرآن می‌خوانیم: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ» (انفال، ۲) حال انسان مسلمان باید بررسی کند و این خصوصیات را بر خود منطبق کند و ببیند که تا چه میزانی این خصوصیات را دارد. رابطه اضلاع گوناگون جامعه با این آیه چیست، مثلاً در حوزه نظام سیاسی از قدرت‌های استکباری می‌ترسد یا از خدای بزرگ؟ آیا به خدا توکل دارد یا برای حل هر مشکلی، دست به دامن دیگران می‌شود؟ آیا دستگاه‌ها و سازمان‌هایی که مدیریت جامعه را برعهده دارند، جامعه را به سوی توکل به خدا و خوف از خدا و افزایش ایمان قلبی هدایت و مدیریت می‌کنند یا هدفشان فقط کسب قدرت و ثروت است. این تطبیق کمک می‌کند تا نسبت وضعیت موجود و آن دانش و تفکری که افراد، سازمان‌ها و نهادها را اداره می‌کند، با قرآن روشن گردد و در گام بعد، اصلاح و تقویت شود (امام خمینی، ۱۳۸۱، ج ۳، ص ۳۴۳؛ لک‌زایی، ۱۳۹۹، صص ۲۷-۴۸).

۲. وقتی شاه طلاب و روحانیون را به سربازی اجباری فرستاد، امام خمینی علیه السلام فرمودند: شما سربازان حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف که به پادگان‌ها فرستاده شده‌اید، تعلیمات نظامی را با شجاعت فرا بگیرید؛ سپس با استفاده از روش تطبیق می‌فرماید: باشد که چون حضرت موسی علیه السلام که در آغوش فرعون بزرگ شد و اساس ظلم و جور او را در هم پیچید، شما هم روز مناسبی تحت دستور مقام صالحی بتوانید این دست‌های خبیث را قطع [کنید]، و این ریشه‌های فساد و ظلم را از بیخ و بن برآورید (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۴۵۲). ملاحظه می‌شود که امام خمینی علیه السلام حضور

سربازان در پادگان‌های رژیم پهلوی را بر حضور حضرت موسی در قصر فرعون مصر تطبیق داده‌اند.

۳. وقتی در اردیبهشت ماه ۱۳۵۹ هواپیماها و هلی‌کوپترهای آمریکا در طبس با قدرت الهی در هم کوبیده شدند، امام خمینی علیه السلام این پرسش و پاسخ را در معرض وجدان تمام انسان‌های بیدار قرار داد که چه کسی هلی‌کوپترهای آقای کارتر را ساقط کرد؟ و سپس پاسخ دادند، هلی‌کوپترها و هواپیماهای او را شن‌ها ساقط کردند؛ چون شن‌ها مأمور خدا بودند. باد هم مأمور خداست؛ قوم عاد را هم باد از بین برد (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۲، ص ۳۸۰)، این سخن امام خمینی علیه السلام برگرفته از این آیه است: «وَأَمَّا عَادُ فَأَهْلِكُوهَا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ» (حاقه، ۶)؛ از این رو به نظر می‌رسد امام خمینی علیه السلام نابودی قوم عاد را بر نابودی هواپیماها و هلی‌کوپترهای آمریکا تطبیق داده‌اند که هر دو به وسیله باد نابود شده‌اند. این نگاه، یک نگاه جدید در تحلیل مسائل سیاسی و بین‌المللی است که می‌توان آن را در علوم انسانی متعالی مطرح کرد و نتایج آن را پی گرفت.

۴. در جهان اسلام نیز ایشان با همین منطق، دیدگاه‌های رقیب را به چالش می‌کشیدند؛ چنان‌که در جریان تجاوز عراق به ایران فرمودند: ما قرآن را داور قرار می‌دهیم و آیه نهم سوره حجرات را برای آنها تلاوت می‌کنیم و می‌گوییم به این آیه عمل کنید: «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّىٰ تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (حجرات، ۹).

به این ترتیب امام خمینی علیه السلام به‌طور کامل کاربردی، با تطبیق آیه بر صدام ستمگر و تجاوزکار، از کشورهای اسلامی که مدعی اسلام بودند، می‌خواهد که بنا به فرمایش قرآن با ظالم و متجاوز بجنگند و اگر نمی‌جنگند او را محکوم کنند و اگر هم محکوم نمی‌کنند، دست کم بی‌طرف باشند (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۳۴۸). این برداشت امام خمینی علیه السلام از قرآن با روش تطبیق است و از نشانه‌های تولید علوم انسانی متعالی مبتنی بر قرآن است.

۵. امام خمینی علیه السلام با استفاده از منطق قرآن (یس، ۶۰) و روش تطبیق، دولت آمریکا را

همچون فرعون و نمرود در زمان حاضر و مصداق شیطان بزرگ و بت جهان‌خواری می‌داند که باید همچون موسی و ابراهیم و محمد ﷺ با او مبارزه کرد (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۰، ص ۸۹).

۶. در مباحث به‌طور کامل نظری هم «تطبیق» بسیار کارگشاست. مورگنتا می‌نویسد: «تمایل به سلطه یکی از عناصر موجود در تمامی مجامع انسانی است» (مورگنتا، ۱۳۸۴، ص ۵۸). همو به نقل از جان سالیسبوری آورده است: «اگرچه همه انسان‌ها از موهبت کسب شهریاری یا سلطنتی برخوردار نیستند، اما انسانی که کلاً دچار جباریت نباشد، نادر است و یا اصلاً وجود ندارد» (مورگنتا، ۱۳۸۴، ص ۶۰). اما در این میان «اکثریت مردم قادر نیستند قدرت طلبی خود را در داخل جامعه ملی ارضا کنند» (مورگنتا، ۱۳۸۴، ص ۱۸۵). راهی که مورگنتا برای ارضای حس قدرت طلبی مردم پیشنهاد می‌دهد این است که «مردم ... این خواست‌های ارضا نشده را به صحنه بین‌الملل منتقل نمایند. ... [بدین معنی که] قدرتی که نمایندگان ما در صحنه بین‌الملل اعمال می‌کنند به قدرت ما تبدیل می‌شود و موفقیت ناشی از برخورداری از قدرت ملی ناکامی‌هایی را که در جامعه ملی تجربه می‌کنیم، جبران می‌کند» (مورگنتا، ۱۳۸۴، ص ۱۸۶).

امام خمینی رحمه الله براساس نظریه قرآنی فطرت (روم، ۳۰)، معتقد است همه انسان‌ها در همه زمان‌ها، ذاتاً و فطرتاً در پی کمال مطلق هستند و به طرف هر که و هر چه احساس کنند، کمال مطلق است، روانه می‌شوند. یکی از مصادیق کمال، قدرت طلبی است. امام خمینی رحمه الله، قدرت طلبی را فطری تمام انسان‌ها می‌داند و می‌نویسد از آنجا که که ساختار این عالم و اوضاع دنیا و شرایط حیات بشری اقتضای نفوذ اراده انسان را ندارد، پس باید در دار وجود، جهانی باشد که اراده انسان در آن کاملاً نافذ باشد و شرایط و ساختار آن به گونه‌ای باشد که با نفوذ اراده او [و اعمال قدرت انسان] تعارض نداشته باشد و «انسان در آن عالم فعال ما یشاء و حاکم ما یرید باشد» (امام خمینی، ۱۳۷۷، ص ۱۸۷). بر این اساس، همه انسان‌ها در پی قدرت هستند و در صورت حضور در بهشت آن را تجربه می‌کنند و در صورت عدم حضور در بهشت این خود، عذاب جان آنها خواهد بود.

چنان که مشاهده شد دیدگاه امام خمینی علیه السلام، مورگنتا و سالیسبوری در اینکه انسان در پی قدرت است، براساس تفسیر امام خمینی علیه السلام از این آیه، تطبیق دارد؛ اما در اینکه چگونه باید عطش قدرت را برطرف کرد، تفاوت وجود دارد. دیدگاه امام خمینی علیه السلام منطبق بر قرآن و دیدگاه دو متفکر دیگر مخالف با قرآن است و عمل به توصیه آنان، فقط ناامنی و خشونت را در جهان زیاد می کند؛ بنابراین چنان که ملاحظه می شود با تطبیق نظرات دیگران بر آیات قرآن، می توان نتیجه گرفت که هم می توان علوم انسانی رایج و دیدگاه دیگران را نقد کرد و هم می توان علوم انسانی متعالی را بنا کرد.

در ادامه به مصادیقی از کاربرست روش تطبیق از منظر رهبر معظم انقلاب می پردازیم.

۱. برخی پژوهشگران (سروش، ۱۳۷۸، ص ۴۷) دین را به دو طبقه اقلی و اکثری تقسیم می کنند. منظور از دین اقلی، آموزه های شخصی و فردی دین مثل نماز و روزه است و منظور از دین اکثری، آموزه های سیاسی و حکومتی دین هم هست. محقق دیگری (خسروپناه، ۱۳۸۱، ص ۶) در نقطه مقابل این دیدگاه، معتقد است که دین، اکثری است و راجع به سیاست و حکومت، چارچوب و سیستم و نظام خاص خود را دارد که باید آن را با روش اجتهادی استنباط کرد و به کار بست. رهبر معظم انقلاب با استفاده از روش تطبیق می فرماید: «دین حدّ اقلّی و اکتفای به حدّ اقل ها، از نظر اسلام قابل قبول نیست؛ ما در معارف خودمان چیزی به عنوان دین حدّ اقلّی نداریم، بلکه در قرآن کریم در موارد متعدّدی اکتفا به بعضی از تعالیم دینی دون بعضی، نکوهش شده است؛ «الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ» (حجر، ۹۱) یا آیه شریفه «وَيَقُولُونَ نُوْمِنُ بِبَعْضٍ وَنُكْفِرُ بِبَعْضٍ» (نساء، ۱۵۰) مطالبه اسلام از مسلمین، ایجاد نظام اسلامی به نحو کامل است؛ مطالبه اسلام، تحقّق کامل دین اسلام است. این آن چیزی است که انسان در مجموع آن را احساس می کند (بیانات امام خامنه ای، ۱۳۹۳/۱۲/۲۱). چنان که ملاحظه می شود رهبر معظم انقلاب با استناد به قرآن کریم بحثی چالش برانگیز را پاسخی به طور کامل متین و منطقی می دهند. از طرفی این مطلب، نشان دهنده غفلت جامعه علمی از مرجعیت علمی قرآن نیز هست.

۲. در دی ماه سال ۱۳۵۸ شوروی از برژنف تا گورباچف افغانستان را اشغال کردند و

بعد از طولانی‌ترین جنگ تاریخ اتحاد جماهیر شوروی که حدود ۹ سال به طول انجامید، سرانجام بر اثر مقاومت مردم و نیروهای مجاهدین افغانستان، در فروردین ۱۳۶۷ شکست خورده و مجبور به عقب‌نشینی شدند (رجایی، ۱۳۹۶/۱/۳). دو نکته پیش‌بینی ناپذیر در این جریان بین‌المللی پیش می‌آید. رهبر انقلاب در بیست‌ودوم فروردین ماه ۱۳۶۹ در دیدار با حزب وحدت اسلامی افغانستان می‌فرماید: «یکی از حوادث مهم عالم در این دوران، قضیه‌ی افغانستان است. دو امر عجیب، پی در پی در کار افغانستان اتفاق افتاد که هیچ‌کدام از این دو امر، پیش‌بینی نمی‌شد. ... یکی از دو حادثه، عبارت از پیروزی شما بر سیاست اشغالگر مقتدر عالم بود. این، واقعاً یک حادثه‌ی عجیب بود. یک قدرت جهانی با آن عظمت، نیامده بود که برود. روس‌ها مگر آمده بودند وارد افغانستان بشوند که این همه کشته و خسارت بدهند، بعد هم بروند؟! اینها آمده بودند که بمانند. حادثه‌ی دوم که آن هم از لحاظ عجیب بودن، کمتر از اولی نیست، این است که بعد از آن که روس‌ها رفتند و دولت صوری افغانستان تنها ماند، تحلیل همه این بود که با یک حمله‌ی مجاهدان، قضایا تمام خواهد شد و مجاهدان پیروز خواهند گردید. ... که مجاهدان شکست خوردند و پیروز نشدند. ... ما که نمی‌توانیم خودمان را فریب بدهیم. این مورد هم قابل پیش‌بینی نبود» (بیانات امام خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱/۲۲).

نکته مهم این است که امام خامنه‌ای در ادامه همین سخنرانی می‌فرماید «این هم جز با اطلاع از سنن الهی، ممکن نبود کسی پیش‌بینی کند» (بیانات امام خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱/۲۲). یعنی با علوم انسانی و دانش بشری رایج امکان پیش‌بینی پیروز جنگ و حوادث پس از آن امکان ندارد، اما در صورتی که دانشی به قوانین الهی آشنا باشد، برای آن دانش و آن دانشمند امکان پیش‌بینی وجود دارد. به دیگر سخن با تطبیق حوادث ملی و بین‌المللی بر قرآن و کشف و فهم منطق قرآن می‌توان اتفاقات گوناگون در سطح منطقه و جهان را فهمید و به درستی تحلیل کرد؛ از این رو رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: «من این آیه‌ی شریفه را مکرر در باب قضایای افغانستان و ایران خوانده‌ام. درباره‌ی قضایای افغانستان هم این آیه صادق است: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُّونَهُمْ بِإِذْنِهِ». اول شما دشمن را بیچاره کردید، «حَتَّى إِذَا فُتِنْتُمْ وَتَنَارَعْتُمْ فِي الْأُمْرِ وَعَصَيْتُمْ مِنْ

بَعْدَ مَا أَرَاكُمْ مَا تُحِبُّونَ مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا وَمِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الْآخِرَةَ ثُمَّ صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ». خوشبختانه دنباله‌ی آیه می‌فرماید: «وَلَقَدْ عَفَا عَنْكُمْ» (آل عمران، ۱۵۲). ... وقتی که مجاهدان، در لحظه‌ی که باید بیش از همه، مخلصانه وارد عمل بشوند، با دید سیاسی مصلحت‌اندیشانه و سودجویانه به قضایا نگاه کردند؛ این گروه خواست آن گروه را پس بزند؛ آن گروه خواست فلان قِمه را تصرف کند، کار خراب شد» (بیانات امام خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱/۲۲).

پس با روش تطبیق و باز کردن راه چشمه زلال قرآن به علوم انسانی می‌توان به دانشی دست پیدا کرد که به امکان تحلیل و پیش‌بینی مسائلی را می‌دهد که بدون استفاده از قرآن امکان ندارد که ما آن توانایی را کسب کنیم.

۳. در تحلیل حوادث دشوار ملی هم رهبر معظم انقلاب از روش تطبیق استفاده کرده‌اند. ایشان می‌فرماید: من از کسانی که انتخابات را در حالی زیر سؤال می‌برند که خودشان به‌وسیله انتخابات به مسئولیت رسیده‌اند، تعجب می‌کنم. آن‌گاه این پرسش را مطرح می‌کنند که چطور آن وقتی که انتخابات به نفع شما است، صحیح و متقن است، اما آنجایی که به نفع شما نیست، انتخابات می‌شود خراب؟ آن‌گاه این رفتار را با تطبیق بر آیه‌ای از قرآن تقیح می‌کنند: «وَإِنْ يَكُنْ لَهُمُ الْحَقُّ يَأْتُوا إِلَيْهِ مُذْعِنِينَ» (نور، ۴۹) قرآن می‌فرماید اگر در قضاوت، حق طرف آنها شد، قضاوت را می‌پذیرند، اما اگر به نفع آنها نشد، قبول نمی‌کنند، بعد قرآن می‌فرماید: «أَفِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ» (نور، ۵۰) در دل اینها مرض هست؟ (بیانات امام خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۱۱/۱۶). «فتنه ۸۸ همین جور بود. ادعا کردند که قانون‌گرا هستند، بعد خب مردم به آنها رأی ندادند، اکثریت مردم به کس دیگری رأی دادند، اینها بنا کردند دعوا راه انداختن که چرا! کشور را، ملت را مدتی مضطرب کردند، دشمن را خوشحال کردند؛ البته آخرش هم در مقابل مردم دیگر تاب نیاوردند و عقب نشستند» (بیانات امام خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۷/۲۰).

۴. رهبر معظم انقلاب آیاتی از قرآن کریم را بر روز ۱۹ بهمن ماه سال ۱۳۵۷ که نیروی هوایی با رژه در مقابل امام خمینی علیه السلام به‌طور رسمی به انقلاب پیوست به صورتی شیرین و دلچسب تطبیق می‌دهند. در حرکت نیروی هوایی، رژیم طاغوت از جایی

ضربه خورد که محاسبه نمی کرد و گمانش را نداشت. مثل همان که در قرآن و در سوره حشر در مورد قبایل یهود آمده: «فَاتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا» (حشر، ۲). دستگاه رژیم طاغوت تصور نمی کرد که از ارتش، آن هم از نیروی هوایی ارتش که شاید بسیاری از آن افسران کسانی بودند که در آمریکا تحصیل کرده بودند، ضربه بخورد. این نشانه‌ی این است که وعده‌ی الهی صادق است؛ خداوند فرمود: «إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا * وَ أَكِيدُ كَيْدًا» (طارق، ۱۵، ۱۶). دشمنان ترفند می زنند، و من هم در مقابلشان به آنها ترفند می زنم. در یک جای دیگر می فرماید: «فَالَّذِينَ كَفَرُوا هُمْ الْمَكِيدُونَ» (طور، ۴۲). در قضیه‌ی جبهه‌ی حق و باطل، جبهه‌ی باطل است که ضربه می خورد؛ و همیشه همین گونه است. (بیانات امام خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱۱/۱۹). آمریکایی‌ها بیشتر از شاه روی ارتش حساب کرده بودند. ارتش ایران، برای آمریکایی‌ها از شخص شاه هم مهمتر بود؛ می گفتند شاه یک نفر است، حالا بمیرد یا برود یک نفر دیگر را جایش می گذاریم؛ اما همین ارتش عامل شکست رژیم طاغوت و موجب نابودی امیدهای آمریکا شد (بیانات امام خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۱۱/۱۹).

این تبیین نشان می دهد که با روش تطبیق می توان به قواعد کلی دست پیدا کرد. یکی از آن قواعد ضربه‌پذیری جبهه باطل از جبهه حق است. قاعده دیگر اعتماد به نصرت و وعده‌های الهی است؛ بنابراین نباید پنداشت که روش تطبیق فقط با تک جمله و تک گزاره سروکار دارد.

۵. یکی از مباحثی که در ایران مطرح شد، این بود که ایران باید ژاپن، اما از مدل اسلامی‌اش باشد، یا مثل آلمان یا مالزی شود. موضع علوم انسانی قرآن‌بنیان در اینجا چیست؟ رهبر معظم انقلاب می فرماید: «هیچ جاذبه‌ای ندارد که ما بخواهیم یک دولتی، یک حکومتی، یک کشوری باشیم مثل کشور ژاپن - دیگر از آن بالاتر که نمی شود - یا یک درجه پایین تر از آن مثل بعضی کشورهای دیگری که همان جاها هستند و نمی‌خواهم اسم کشورها را یکی یکی بیاورم، این برای ما جاذبه‌ای ندارد. وقتی معنویت نباشد، وقتی برای خدا نباشد، وقتی تشکیل جامعه‌ی نمونه‌ی انسانی نباشد، تلاش و زحمت وجهی ندارد.

برای خدا باید حرکت کرد، در چهارچوب اهداف الهی باید کار کرد: «وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ» (مطففین، ۲۶)، برای این است که آدم بایستی تلاش کند، زحمت بکشد، کار بکند، وَاَلَا این همه کشور در دنیا هست؛ بعضی آباد، بعضی [هم نه]؛ [اما] آنچه ما دنبال آن هستیم، تحقق اهداف الهی است، تحقق ارزش‌ها است، که باید دنبال ارزش‌های عمده‌ای که برای ما وجود دارد باشیم. پس بنابراین آنچه مورد توجه ما است، این است که ما آرمان‌ها را و اهداف انقلاب را با این قیام لله باید تأمین کنیم» (بیانات امام خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۱۱/۹).

در تطبیق این آیه شریفه که همچنان بر سر ایران اسلامی همچون تاجی پرافتخار قرار دارد، نکته‌ای راهبردی وجود دارد و آن اعتماد به نفس و تکیه بر داشته‌های خویش است. پیشرفت و عدالت و معنویت و عقلانیت باید با هم باشد و نباید در الگو گرفتن دچار خطای محاسباتی شد و راهبرد دولت اسلامی باید این باشد که آرمان‌ها و اهداف انقلاب را با قیام لله تأمین کند.

۶. در بحث تطبیق گاهی لازم است لایه‌های مختلف مسئله از جنبه‌های گوناگون و با جامعیت بررسی شود. رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: «برخی از بخش‌های دین که خیلی برجسته است - مثل اقامه‌ی قسط - هم کافی نیست که انسان دل خود را خوش کند که ما حالا دنبال اقامه‌ی قسطیم و اقامه‌ی قسط خواهیم کرد، پس اسلام تحقق پیدا کرد؛ نه، این نیست. بلکه مسلماً اقامه‌ی قسط در جامعه، یک قلم مهم است. از این آیه‌ی شریفه در سوره‌ی مبارکه‌ی حدید «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید، ۲۵)، این جور به نظر می‌رسد در بادی امر، که هدف از ارسال رسل و انزال کتب و معارف الهی، اقامه‌ی قسط است که حالا این جمله‌ی «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» را هر جور معنا کنیم - چه به این معنا بگیریم که «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» یعنی «لِيُقِيمَ النَّاسُ الْقِسْطَ» که مثلاً «باء» را «باء تعدیه» بگیریم، که این وظیفه‌ی مردم است که در محیط زندگی خودشان اقامه‌ی قسط کنند؛ یا نه، «باء تسیب» که «لِيَقُومَ النَّاسُ بِسَبَبِ الْقِسْطِ»، یعنی با قسط با مردم [رفتار کنیم]؛ هر کدام از این دو معنا یا معانی احتمالی دیگری که وجود دارد، اگر در نظر گرفته بشود - اهمّیت اقامه‌ی قسط را در

جامعه روشن می‌کند. لکن این بدین معنا نیست که شارع مقدس از ما قبول می‌کند که ما مثلاً اکتفا کنیم به اقامه‌ی قسط و همه‌ی همت خودمان را بگذاریم برای اینکه اقامه‌ی قسط بشود، ولو برخی از احکام دیگر اسلام - مثلاً - مورد بی‌توجهی قرار بگیرد؛ نه، آیه‌ی شریفه می‌فرماید که «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ المُنْكَرِ» (حج، ۴۱). یعنی انتظاری که خدای متعال از متمکنین در ارض دارد، اینها است که اولش «أَقَامُوا الصَّلَاةَ» بعد «وَآتَوْا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ المُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (حج، ۴۱) [است]. این جور نیست که اگر ما به قسط توجه می‌کنیم، حق داشته باشیم که از اقامه‌ی صلات و اهمّیت دادن به صلات یا به زکات یا به امر به معروف و نهی از منکر غفلت کنیم، بلکه «إِنْ أَعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل، ۳۶) - که چندین بار این لفظ و این مضمون در قرآن تکرار شده - نشان می‌دهد که اصلاً خدای متعال پیغمبران را فرستاد برای توحید، برای اجتناب از طاغوت، برای عبودیت خداوند؛ اساس کار این است. یا وصیتی که خدای متعال در آن آیه‌ی شریفه‌ی سوره‌ی شوری، به نوح و به ابراهیم و به موسی و به بقیه کرده است: «أَقِيمُوا الدِّينَ» (شوری، ۱۳). آنکه مورد نظر است، اقامه‌ی دین است؛ یعنی همه‌ی دین را باید اقامه کرد: «وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ» (شوری، ۱۳). یعنی همه‌ی دین - همه‌ی اجزا و همه‌ی ارکان دین - مورد توجه است، و معارض اصلی هم در مقابل این حرکت و این رویکرد - یعنی اقامه‌ی دین بتمامه، بجمع اجزائه، بکله - عبارتند از قلدرهای عالم، مستکبران عالم؛ «كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ» (شوری، ۱۳) آنچه تو به آن دعوت می‌کنی، برای مشرکین [گران است]؛ یا در آیه‌ی شریفه در اوّل سوره‌ی مبارکه‌ی احزاب «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَ الْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا» (احزاب، ۱) یعنی هم علیم است خدای متعال که احاطه‌ی علمی دارد به تمام اجزا و ذرات عالم و سازوکار زندگی ذرات، و هم حکیم است؛ با حکمت، راه تو را در این مجموعه مشخص کرده و باید دنبال کنی. «وَ اتَّبِعْ مَا يُوْحَىٰ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا * وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَ كَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا» (احزاب، ۲، ۳) در مقابله‌ی با این حرکت تو،

دشمنی وجود خواهد داشت؛ بنابراین [قضیه] این است» (بیانات امام خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۱۲/۲۱ برای مطالعه موارد دیگر ر.ک: امام خامنه‌ای، ۱۴۰۲، ۱۰۹ و ۱۵۸ و ۱۶۰ و ۱۶۲ و ۱۶۷ و ۷۹ و ۶۹ و ۵۷ و ۳۹ و ...).

در این تطبیق به درستی اهداف جامع دین مورد توجه قرار گرفته است. روشن است که اهداف جامعه و کشور به وسیله علوم انسانی و به ویژه علوم سیاسی و مدیرتی انجام می‌شود. از این مطلب داشتن نگاه اجتهادی و جامع به قرآن کریم نیز فهم می‌شود. به دیگر سخن لازمه به کار بستن روش تطبیق در اولین قدم قیام علمی لله و نیز آشنایی و انس با قرآن و کسب تخصص دینی است و به همین دلیل انتظار می‌رود که این بار را حوزویان بردارند.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطلبی که بیان شد، روشن گردید که براساس دیدگاه امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب دسته کم سه نوع روش در مواجهه با قرآن کریم قابل استنباط است که می‌توان آنها را مبنای متدانی، مبنای متعارف و مبنای متعالی نامید. انواع مدل‌های مواجهه با قرآن، باعث تولید سه مدل علوم انسانی می‌شود که می‌توان آنها را به ترتیب، علوم انسانی متدانی، علوم انسانی متعارف و علوم انسانی متعالی نامید.

به دیگر سخن، محتوایی که ما با نام علوم انسانی با آن روبه‌رو هستیم، متکی به مبانی است که آن مبانی تکیه به منابع دارد. و این منابع و روش رویکرد به منابع است که سازنده علوم انسانی متدانی و متعارف و متعالی است. به نظر می‌رسد بتوان گفت که نقطه شروع علوم انسانی متعالی عزم علمی و قیام علمی «الله» باشد و در ادامه تصمیم به بهره‌برداری و مراجعه روشمند به قرآن کریم است.

روش پیشنهادی برای تولید علوم انسانی که توسط امامین انقلاب با دلالت مطابقی نشان داد، روش تطبیق است. براساس این روش باید در چارچوب مقاصد قرآن، با تطبیق دیدگاه‌های علوم انسانی رایج با قرآن کریم و نیز تطبیق واقعیت‌ها بر قرآن پاسخ صحیح را گرفت و آرام آرام به تولید علوم انسانی متعالی اقدام کرد.

به نظر می‌رسد مهمترین کار دانشمند و محقق علوم انسانی متعالی، در قسمت تطبیق

خلاصه می‌شود و بدون تطبیق، آن هم تطبیقی که بر مبنای متعالی تکیه داشته باشد، فعالیت محقق در عمل ناتمام می‌ماند. در عین حال این پرسش مطرح می‌شود که آیا می‌توان هر آیه‌ای را با هر مصداقی تطبیق کرد؟ ملاک و معیار و مبنای تطبیق یک یا چند آیه بر یک مصداق و یا مصادیق چیست و یا چه می‌تواند باشد؟ به اختصار باید گفت آنچه ملاک و معیار تطبیق است و تطبیق را از هرج و مرج مصداقی حفظ می‌کند، اهتمام به «مبنای متعالی قرآن» براساس نگاه منسجم و هماهنگ به قرآن و راهبرد هدایت‌محور آن است که در واقع براساس مقصد قرآن طراحی شده است و شاید با مطالعه مجدد آن، با این نگاه جدید، پاسخ پرسش روشن‌تر شود.



فهرست منابع

* قرآن کریم

** نهج البلاغه

۱. آملی، سیدحیدر. (۱۴۲۲ق). تفسیر المحيط الأعظم و البحر الخضم (ج ۲). تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
۲. احسانی، محمد. (۱۳۹۳). مبانی تربیت عقلانی از منظر قرآن کریم. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۳. امام خمینی، سیدروح الله. (۱۳۷۰). آداب الصلوة. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، چاپ بیستم.
۴. امام خمینی، سیدروح الله. (۱۳۷۷). شرح چهل حدیث. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۵. امام خمینی، سیدروح الله. (۱۳۷۸). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (تمامی ۲۱ جلد).
۶. امام خمینی، سیدروح الله. (۱۳۸۱). تقریرات فلسفه. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۷. امام خمینی، سیدروح الله. (۱۳۸۸). تفسیر سوره حمد. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، چاپ یازدهم.
۸. انوری، حسن. (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن (ج ۱). تهران: سخن.
۹. تولایی، روح اله؛ زمردی انباج، مهسا. (۱۴۰۲). چیستی و چگونگی تحول علوم انسانی از دیدگاه آیت الله خامنه ای با استفاده از روش تحلیل مضمون، فصلنامه مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی، ۱(۳)، صص ۱-۲۴.

۱۲۶
مطالعات قرآنی

سال ششم، شماره اول، بهار ۱۴۰۲ (پیاپی ۱۹)

۱۰. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۹). طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، تهران: انتشارات مؤسسه ایمان

جهادی؛ صهبا، نسخه دیجیتالی، قابل دسترسی در: <https://sahba.ir/download/tarhekoli>

۱۱. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۴۰۲). تفسیر سوره حشر. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.

۱۲. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۸/۱۱/۱۶). بیانات امام خامنه‌ای در دیدار اقشار مختلف مردم،

برگرفته از پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=44827>

۱۳. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۴۰۰/۱۱/۱۹). بیانات امام خامنه‌ای در دیدار فرماندهان و کارکنان

نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش، برگرفته از پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=49572>

۱۴. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۰/۷/۲۰). بیانات در اجتماع بزرگ مردم کرمانشاه، برگرفته از پایگاه

اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=17510>

۱۵. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۳/۱۲/۲۱). بیانات امام خامنه‌ای در دیدار اعضای مجلس خبرگان

رهبری، برگرفته از پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=29151>

۱۶. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۶۹/۱/۲۲). بیانات امام خامنه‌ای در دیدار اعضای حزب وحدت

اسلامی افغانستان، برگرفته از پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2292>

۱۷. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۸/۷/۲۸). بیانات امام خامنه‌ای در دیدار جمعی از بانوان قرآن‌پژوه

کشور، برگرفته از پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8259>

۱۸. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۹/۷/۲۹). بیانات در دیدار طلاب و اساتید حوزه علمیه قم،

برگرفته از پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری: [https://farsi.khamenei.ir/speech-](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=10357)

[content?id=10357](https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=10357)

۱۹. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۸/۶/۸). بیانات امام خامنه‌ای در دیدار اساتید دانشگاه‌ها، برگرفته از پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7959>
۲۰. خسروپناه، عبدالحسین. (۱۳۸۱). قلمرو دین. قم: مرکز مطالعات و پژوهشهای حوزه علمیه قم.
۲۱. رجایی، محمد سرور. (۱۳۹۶/۱/۳). پیامدهای تجاوز شوروی به افغانستان، خبرگزاری میزان: <https://www.mizanonline.ir/fa/news/280015>
۲۲. رجبی، ابوذر. (۱۴۰۰). سنجش تحلیلی انتظارات مقام معظم رهبری ناظر به تحول علوم انسانی قرآن بنیان با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب، قرآن و علم، ۱۵ (۲۹)، صص ۱۰۵-۱۳۴.
۲۳. سروش، عبدالکریم. (۱۳۷۸). بسط تجربه نبوی. تهران: صراط.
۲۴. غفاری، مجتبی. (۱۳۹۵). چرایی، چیستی و چگونگی علوم انسانی قرآن بنیان از منظر رهبر معظم انقلاب، همایش علوم انسانی قرآن بنیان: چیستی، چرایی و چگونگی.
۲۵. لک‌زایی، رضا. (۱۳۹۷/الف). جایگاه قرآن در روش‌شناسی تولید علوم انسانی متعالی با تأکید بر اندیشه‌ی امام خمینی، سیاست متعالیه، سال ۶، شماره ۲۳، زمستان. صص ۷-۲۶.
۲۶. لک‌زایی، رضا. (۱۳۹۹). بازخوانی کاربرست قرآن مجید در انقلاب اسلامی با تأکید بر اندیشه سیاسی امام خمینی علیه السلام، فصلنامه حکومت اسلامی؛ ۲۵ (۹۷). صص ۲۷-۴۸.
۲۷. محقق، جواد. (۱۴۰۱). راهکارهای تحول و اسلامی‌سازی علوم انسانی در اندیشه رهبر معظم انقلاب و آیت الله مصباح یزدی، معرفت، دوره ۱۳، شماره ۱۰، صص ۸۷-۹۹.
۲۸. ملکی تبریزی، جواد. (۱۳۶۵). رساله لقاء الله. تهران: فیض کاشانی.
۲۹. مورگنتا، هانس جی. (۱۳۸۴). سیاست میان ملت‌ها (مترجم: حمیرا مشیرزاده). تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل، چاپ سوم.

References

* The Holy Qur'an

** Nahj al-Balagha

1. Amoli, S. H. (2003). *Tafsir al-Muhit al-Azam wa al-Bahr al-Khadam* (Vol. 2). Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance Publishing Organization. [In Persian]
2. Anvari, H. (2002). *Farhang-e Bozorg-e Sokhan* (Vol. 1). Tehran: Sokhan. [In Persian]
3. Ehsani, M. (2014). *Foundations of rational education from the perspective of the Holy Quran*. Qom: Islamic Sciences and Culture Academy. [In Persian]
4. Ghaffari, M. (2016). *Why, what, and how of Quran-based human sciences from the viewpoint of the Supreme Leader of the Islamic Revolution*. Conference on Quran-based Human Sciences: What, why, and how. [In Persian]
5. Imam Khomeini, S. R. (1991). *Etiquettes of prayers*. (20th ed). Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Persian]
6. Imam Khomeini, S. R. (1998). *Commentary on Forty Hadiths*. Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Persian]
7. Imam Khomeini, S. R. (1999). *Sahifeh-ye Imam*. Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works (Complete 21 volumes). [In Persian]
8. Imam Khomeini, S. R. (2002). *Philosophy reports*. Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Persian]
9. Imam Khomeini, S. R. (2009). *Commentary on Surah Hamd*. (11th ed.). Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Persian]

10. Imam Khomeini, S. R. (2020). *General plan of Islamic thought in the Quran*. Tehran: Imān Jahādī Publications; Sahba, Digital version. Retrieved from <https://sahba.ir/download/tarhekoli> [In Persian]
11. Imam Khomeini, S. R. (2023). *Commentary on Surah Hashr*. Tehran: Islamic Revolution Publications. [In Persian]
12. Khamenei, S. A. (1990,). *Speech of Imam Khamenei in a meeting with members of the Islamic Unity Party of Afghanistan*. From: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2292> [In Persian]
13. Khamenei, S. A. (2010). *Speech of Imam Khamenei in a meeting with university professors*. From: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7959> [In Persian]
14. Khamenei, S. A. (2010). *Speech of Imam Khamenei in a meeting with a group of Quranic scholars*. From: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8259> [In Persian]
15. Khamenei, S. A. (2010, July 29). *Speech at a meeting with Islamic seminary students, scholars, and professors in Qom*. From: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=10357> [In Persian]
16. Khamenei, S. A. (2011). *Speech at a gathering of the people of Kermanshah*. From: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=17510> [In Persian]
17. Khamenei, S. A. (2014). *Speech of Imam Khamenei in a meeting with members of the Assembly of Experts*. From: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=29151> [In Persian]
18. Khamenei, S. A. (2020). *Speech of Imam Khamenei in a meeting with various groups of people*. From: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=44827> [In Persian]
19. Khamenei, S. A. (2021). *Speech of Imam Khamenei in a meeting with commanders and personnel of the Air Force and Air Defense of the Army*. From: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=49572> [In Persian]

20. Khosropanah, A. H. (2002). *The realm of religion*. Qom: Center for Studies and Research of Qom Seminary. [In Persian]
21. Lakzaei, R. (2018). The place of the Quran in the methodology of producing superior human sciences with an emphasis on Imam Khomeini's thought. *Transcendental Policy*, 6(23), 7-26. [In Persian]
22. Lakzaei, R. (2021). Revisiting the application of the Holy Quran in the Islamic Revolution with an emphasis on Imam Khomeini's political thought. *Islamic Government*, 25(97), 27-48. [In Persian]
23. Maleki Tabrizi, J. (1986). *Risaleh Liqa Allah*. Tehran: Feyz Kashani. [In Persian]
24. Moqaddam, J. (2022). Strategies for transformation and Islamization of human sciences in the thought of the Supreme Leader of the Revolution and Ayatollah Misbah Yazdi. *Ma'arif*, 13(10), 87-99. [In Persian]
25. Morgenthau, H. J. (2005). *Politics among nations* (3rd ed.) (H. Moshirzadeh, Trans.). Tehran: Office of Political and International Studies. [In Persian]
26. Rajabi, A. (2022). Analytical assessment of the expectations of the Supreme Leader regarding the transformation of Quran-based human sciences, emphasizing the second phase statement of the revolution. *Quran and Science*, 15(29), 105-134. [In Persian]
27. Rajaei, M. S. (2017, March 23). *Consequences of the Soviet invasion of Afghanistan*. Mizan News Agency. From: <https://www.mizanonline.ir/fa/news/280015> [In Persian]
28. Soroush, A. (1999). *Expounding prophetic experience*. Tehran: Soroush. [In Persian]
29. Toulaii, R., & Zamardi Anbaj, M. (2023). The nature and transformation of human sciences from the perspective of Ayatollah Khamenei using content analysis method. *Strategic Studies of the Islamic Revolution*, 1(3), 1-24. [In Persian]